

تحلیل کیفی موسیقی مردم‌پسند و بر ساخت سرمایه اجتماعی

نادر رازقی*^۱ و محمدامین علیزاده^۲

چکیده

موسیقی مردم‌پسند کارکردهای گوناگونی در مناسبات اجتماعی دارد. در این پژوهش سعی شده به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که آیا موسیقی مردم‌پسند باعث ایجاد و افزایش و گسترش سرمایه اجتماعی می‌شود؟ و از طریق چه سازوکارهایی به تولید سرمایه اجتماعی منجر می‌شود؟ روش این پژوهش از نوع کیفی است و از استراتژی نظریه زمینه‌ای (گراندد تئوری) استفاده شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه کیفی عمیق با هجده دانشجو از دانشجویان دانشگاه پیام نور پیرانشهر به شیوه نمونه‌گیری نظری و هدفمند جمع‌آوری شد. پس از انجام دادن این تعداد مصاحبه، انتخاب نمونه و جمع‌آوری داده‌ها تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. نتایج پژوهش نشان داد شکل‌گیری تصویر ذهنی مثبت افراد از جهان، به سبب مصرف موسیقی مردم‌پسند، به منزله سرمایه‌ای مهم، نقش مثبتی در مناسبات اجتماعی ایفا می‌کند. همچنین، موسیقی مردم‌پسند، به منزله منبع حمایت اجتماعی و اعتمادسازی، از طریق تلطیف فضای خانوادگی، ایجاد و گسترش آشتی اجتماعی، و نیز بالابردن آستانه صبر و تحمل اجتماعی افراد تأثیر بسزایی در ایجاد سرمایه اجتماعی دارد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، گراندد تئوری، موسیقی مردم‌پسند.

پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۸

دریافت: ۱۳۹۳/۲/۸

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

razeghi@umz.ac.ir

۲. کارشناس ارشد مطالعات جوانان دانشگاه مازندران

مقدمه و طرح مسئله

هنگامی که دنیای اجتماعی متحول می‌شود به مفاهیمی نو برای درک آن نیاز است. مصرف فرهنگی و به تبع آن، مصرف موسیقی یکی از این مفاهیم است. موسیقی برای هر یک از رشته‌های علمی جذابیت و موضوعیت خاصی دارد. روان‌شناسان به نقش موسیقی در رشد احساسات و عواطف و توان شناختی افراد و نیز ظرفیت‌های درمانی آن نظری خاص دارند. متخصصان علوم تربیتی به تأثیرات موسیقی در ایجاد زمینه‌های بهتر برای آموزش و همچنین نقش تربیتی آن نظر دارند. مردم‌شناسان به نقش موسیقی در گسترش فرهنگ توجه می‌کنند و همواره بررسی موسیقی اقوام و ساختار و میراث موسیقی فرهنگ‌های مختلف بخشی از فعالیت‌های ایشان است. جامعه‌شناسان نیز در دوره‌های مختلفی از تحول پژوهش جامعه‌شناختی دیدگاه‌های گوناگونی درباره موسیقی داشته‌اند. برای جامعه‌شناسان، مطالعه کارکردهای موسیقی در راستای ایجاد هویت و تلاش برای ورود در زندگی فرهنگی جامعه، مصرف موسیقی و بازتولید جایگاه‌های طبقاتی، الگوی توزیع اجتماعی مصرف موسیقی، موسیقی و مدیریت احساسات عمومی، و سازوکارهای اجتماعی تولید موسیقی بسیار اهمیت داشته است (فاضلی، ۱۳۸۶: ۳). موسیقی به مثابه رویه‌ای از زندگی و کردار انسان‌ها و عنصری از معنا بخشی به زندگی اجتماعی است (احمدی، ۱۳۸۹: ۲). موسیقی مردم‌پسند، امروزه، به یکی از مصارف فرهنگی مهم مردم سراسر جهان تبدیل شده است؛ به طوری که کمتر می‌توان عرصه‌ای از زندگی روزمره را یافت که تحت تأثیر آن قرار نگرفته باشد (کوثری، ۱۳۸۷: ۸۶). بخش عظیمی از توده مردم در جوامع امروزی مصرف‌کننده این موسیقی به‌شمار می‌روند. برای موسیقی کارکردهای بسیار زیادی بیان شده است. جکسون، بر اساس پژوهشی در استرالیا، می‌نویسد: موسیقی پاسخ‌های عاطفی مثبت برمی‌انگیزد، به افراد هویت می‌دهد، به آن‌ها حس تعلق داشتن اعطا می‌کند، و آن‌ها را قادر می‌سازد تا از پس زندگی برآیند و خود را درک کنند (فاضلی، ۱۳۸۶: ۱۸). یکی از کارکردهای مهم موسیقی مردم‌پسند نقش آن در ایجاد سرمایه اجتماعی، ارتقای روح انسانیت و نوع‌دوستی است. موسیقی مردم‌پسند با جای دادن پیام‌های اجتماعی و انسانی ذائقه‌های مشترکی را به وجود می‌آورد که افراد نیز از طریق آن با هم احساس نزدیکی می‌کنند و به یکدیگر بیشتر اعتماد می‌کنند.

در مطالعات جامعه‌شناختی موسیقی مردم‌پسند، درباره کارکردهای متفاوت آن، اعم از جنبه‌های مثبت و منفی آن در مناسبات اجتماعی، بحث شده است. در این زمینه مطالعات اندکی در کشور ایران انجام یافته است؛ از این رو، شناخت مصرف موسیقی مردم‌پسند و رابطه آن با ابعاد سرمایه اجتماعی ضرورت بیشتری می‌یابد. بنابراین، در این پژوهش سعی شده به

تحلیل کیفی موسیقی مردم‌پسند و برساخت سرمایه اجتماعی

این پرسش پاسخ داده شود که آیا موسیقی مردم‌پسند باعث ایجاد و افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود؟ و از طریق چه سازوکارهایی به سرمایه اجتماعی منجر می‌شود؟

پیشینه پژوهش

در ایران پژوهشی که به شکل مستقیم به تعامل بین موسیقی مردم‌پسند و سرمایه اجتماعی پرداخته باشد اندک است. در این بخش به برخی از مطالعات درباره موسیقی مردم‌پسند اشاره می‌کنیم.

تحقیقات داخلی

صمیم (۱۳۹۲)، در تحقیقی با عنوان «برساخت سوژه در فرایند مصرف فرهنگ مردم‌پسند: مطالعه‌ای کیفی بر روی مصرف‌کنندگان موسیقی مردم‌پسند در تهران»، موسیقی مردم‌پسند را به دو گونه رسمی و غیررسمی تقسیم می‌کند و آن را یکی از بااهمیت‌ترین جلوه‌های فرهنگ مردم‌پسند در نظر می‌گیرد. وی با رویکرد نظری و روش‌شناختی برساخت‌گرا به این پرسش پاسخ می‌دهد که مصرف‌کنندگان گونه‌های رسمی و غیررسمی موسیقی مردم‌پسند چگونه برساخت می‌شوند؟ نتایج تحلیل تماتیک وی نشان داد که سوژه‌های مصرف‌کننده گونه رسمی سوژه‌هایی اصالت‌زدا، نوستالژیک و متساهل‌اند؛ در حالی که سوژه‌های مصرف‌کننده گونه غیررسمی سوژه‌هایی اصالت‌گرا، سنت‌گرایز، انحصارطلب، و جهانی‌گرا هستند (صمیم، ۱۳۹۲: ۲۴).

ایمان و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «کندوکاو سیستم معانی ذهنی مصرف‌کنندگان موسیقی»، به بررسی سیستم معانی ذهنی مصرف‌کنندگان موسیقی پرداختند. مشارکت‌کنندگان این پژوهش عبارت بودند از ۲۱ دانشجو از دانشجویان ساکن خوابگاه‌های دانشگاه شیراز. محققان، با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای و تکنیک مصاحبه عمیق، نشان دادند که مشارکت‌کنندگان به نوعی تصویرسازی ذهنی در برابر موسیقی می‌پردازند که در دو سوی یک طیف از هم‌ذات‌پنداری تا فرافکنی در نوسان است.

صمیم و قاسمی (۱۳۸۸)، در پژوهشی دیگر، با روش پیمایش، با نمونه ۴۱۰ نفر در دانشگاه اصفهان، به بررسی رابطه گرایش به موسیقی مردم‌پسند و تأثیر آن در میزان پرخاشگری پرداختند. نتایج تحقیقات آن‌ها نشان داد بین گرایش به مصرف موسیقی مردم‌پسند (گونه‌های پنجگانه) و میزان پرخاشگری دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود دارد. جهت رابطه در میزان پرخاشگری و تمایل به موسیقی مردم‌پسند نوع ایرانی تولید داخل بعد از انقلاب منفی و در میزان پرخاشگری با دیگر گونه‌های موسیقایی مردم‌پسند مثبت است. موسیقی مردم‌پسند غربی قوی‌تر از موسیقی مردم‌پسند ایرانی تبیین‌کننده میزان پرخاشگری دانشجویان بوده است.

دوست‌داران موسیقی مردم‌پسند غربی (رپ، راک، و هوی‌متال) گرایش بیشتری به پرخاشگری داشته‌اند (صمیم و قاسمی، ۱۳۸۸: ۲۵۸).

تحقیقات خارجی

دی‌نورا در سال ۱۹۹۹ پژوهشی با عنوان «موسیقی به مثابه تکنولوژی خود» انجام داد. او در مطالعه کیفی خود با انجام دادن ۵۲ مصاحبه عمیق با زنان (۱۸ تا ۷۸ ساله) در شهرهای کوچک و مناطق کلان‌شهر در امریکا و انگلستان نشان داد که موسیقی چگونه «به درون راه می‌یابد» و برای اشکال عاملیت اجتماعی رسانه‌ای عمل می‌کند. این مطالعه نشان داد مردم از موسیقی برای هماهنگ‌ساختن زندگی روزمره خود- از قدم‌زدن گرفته تا کارکردن- استفاده می‌کنند. موسیقی آمادگی ذهنی برای کار روزانه، تمرکز برای انجام‌دادن وظایف دشوار، آرامش، و سازمانی برای به‌خاطر آوردن لحظات رمانتیک زندگی فراهم می‌آورد (دی‌نورا^۱، ۱۹۹۹).

ریچارد لیپرت و همکارش، سوزان مک‌کلر، در اثر خود با عنوان موسیقی و جامعه^۲ (۱۹۹۶)، درباره ابعاد گوناگون هنر موسیقی و پیوند آن با جامعه سخن راندند. نویسندگان این اثر اذعان کردند که ما از موسیقی پاپ لذت می‌بریم چون استفاده از آن پاسخی برای پرسش درباره هویت ماست. ما از ترانه‌های پاپ استفاده می‌کنیم برای آفرینش نوع ویژه‌ای از تعریف خودمان، یک جایگاه منحصربه‌فرد در جامعه. لذتی که موسیقی پاپ به بار می‌آورد لذتی است از نوع هویت‌یابی، همراه با اجراکنندگان این نوع موسیقی و دیگر مردمان دوستدار موسیقی. ریچارد لیپرت و سوزان مک‌کلر به کارکردهای اجتماعی موسیقی اشاره کرده‌اند؛ کارکردهایی همچون مدیریت رابطه بین زندگی عاطفی خصوصی و عمومی، هویت‌یابی، شکل‌دادن حافظه عامیانه برای سازمان‌دهی احساس از زمان و یادآوری تجارب گذشته (لیپرت و مک‌کلر^۳، ۱۹۹۶).

پین^۴ (۲۰۰۳) در تحقیقی نشان داد که موسیقی رپ تأثیری منفی بر مذهب می‌گذارد و افراد را به مادی‌گرایی سوق می‌دهد و ممکن است افراد را از معنویت دور سازد. کاسیمو و فلچر^۵، در تحقیقات خود از همین مجموعه، نشان دادند که اعتقادات مسیحیان امریکایی-افریقای تحت تأثیر موسیقی رپ کاهش یافته است. مثلاً، آن‌ها شیطان را به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌کنند (کاسیمو و فلچر، ۲۰۰۳: ۲۹).

1. DeNora
2. *Music and Society*
3. Leppert and McLare
4. Pinn
5. Kasimu and Fletcher

تحلیل کیفی موسیقی مردم‌پسند و برساخت سرمایه اجتماعی

نتایج تحقیق نگوس^۱ درباره تأثیر موسیقی مردم‌پسند بر نوجوانان، با بهره‌گیری از رهیافت آدرنو، نشان داد که موسیقی مردم‌پسند باعث کنترل افکار می‌شود (نگوس، ۱۹۹۶). بسیاری از محققان دیگر استدلال کرده‌اند که مصرف خاص موسیقی سبب افزایش مصرف الکل و ناهنجاری‌های روانی می‌شود یا موسیقی متال و متن آن موجب تحریک افراد به رفتارهای خشونت‌آمیز، قتل و خشونت جنسی می‌شود و همچنین بهانه‌ای است برای بروز احساسات منفی کنترل‌نشده (جکسون^۲، ۲۰۰۱؛ براشرز^۳، ۲۰۰۰).

در مجموع باید گفت عمده مطالعات انجام‌یافته داخلی در حوزه موسیقی مردم‌پسند به صورت کمی است و در این مطالعات به ذائقه موسیقایی افراد و چرایی انتخاب آنان از بیرون یا به تحلیل محتوا و بررسی متن خود آهنگ پرداخته شده است (ایمان، ۱۳۸۹: ۹۰). باید اضافه کرد این دسته از مطالعات به کارکردها و پیامدهای موسیقی مردم‌پسند در جامعه کمتر توجه کرده‌اند. اما، در بررسی تحقیقات خارج از کشور درمی‌یابیم که آن‌ها بر ابعاد گوناگونی از موسیقی مردم‌پسند (مقدار و زمان استفاده، هزینه‌ها، دسترسی، تأثیرات مثبت و منفی، کپی‌رایت و مالکیت معنوی، صنعت، موسیقی، سن و جنس، و ...) متمرکز شده‌اند و به کارکردهای مثبت و منفی موسیقی مردم‌پسند اشاره کرده‌اند.

چارچوب مفهومی پژوهش

موسیقی مردم‌پسند، به منزله شکلی مرکزی از فرهنگ مردمی، آن نوع موسیقی است که با تولید انبوه برای بازاری گسترده فراهم می‌آید و ژانرهای گوناگونی را در بر می‌گیرد: از راک ان رول، پاپ، دنس تا هیپ-هاپ و آر اند بی^۴. صرف‌نظر از نوع موسیقی مردم‌پسند، رهیافت نظری متفاوتی در تحلیل جامعه‌شناختی موسیقی مردم‌پسند وجود دارد (صمیم، ۱۳۹۲: ۱۱۷)؛ رهیافتی که در این پژوهش از آن استفاده شده رهیافت نظری برساخت‌گرا، کنش متقابل نمادین، و نظریه تلفیقی بورديو است.

در رهیافت کنش متقابل نمادین مصرف موسیقی انعکاس معناداری از تجارب مشارکت‌کنندگان است (ایمان، ۱۳۸۹: ۹۱). و این پرسش مطرح می‌شود که در موسیقی مردم‌پسند معنا چگونه تولید می‌شود و پیامد مواجهه مصرف‌کنندگان با آن چه خواهد بود؟ البته، معناها نتیجه مجموعه پیچیده‌ای از تماس‌ها و برخوردها میان همه عوامل است. پس

1. Negus
2. Jackson
3. Brashares
4. R & B

مسئله معنا در موسیقی مردم‌پسند نمی‌تواند تماماً در یک سطح مثلاً برای تولیدکنندگان، متن‌ها، یا شنوندگان جست‌وجو شود، بلکه لازم است فهم معنا در ارتباط متقابل با این عوامل نیز در نظر گرفته شود (شوکر، ۱۳۸۴: ۹، ۱۰).

موسیقی، به دلیل نداشتن واژه یا تصویرهای موسیقی، در یک زمینه اجتماعی خاصی رشد می‌کند و توسعه می‌یابد و متقابلاً بر همان فضای اجتماعی تأثیر می‌گذارد. استراوینسکی در سخنرانی‌های خود (در سال‌های ۱۹۳۹ - ۱۹۴۰) در هاروارد بیان کرد که معنای بنیادی و هدف اساسی موسیقی ایجاد ارتباط و پیوند میان انسان‌هاست (استور، ۱۳۸۸: ۳۳). بر اساس مفروضات نظری برساخت‌گرا و کنش متقابل نمادین، در مطالعات موسیقی مردم‌پسند معنایی که کنشگران به موسیقی می‌دهند اهمیت می‌یابد. به عبارت دیگر، کنش، رفتار و مناسبات انسان‌ها بر اساس پیامد معنایی موسیقی مردم‌پسند شکل می‌گیرد (صمیم، ۱۳۹۲: ۱۲۸). به موسیقی زبان احساسات گفته می‌شود؛ این استعاره‌ای نابجا و غیرمعقول نیست. موسیقی، همچون زبان، مقاصد از معنای ارتباطی دارد. موسیقی، همچون زبان، قواعد، ترکیب و آرایه‌های ادبی دارد، اما نوع متفاوتی از زبان است که کلمات در آن به هم پیوسته‌اند و صداها روان و لمس‌ناپذیرند (ماچلیس^۱، ۱۹۶۳: ۵). موسیقی از طریق مدیریت احساسات سبب به هم پیوستگی احساسی و انسجام اجتماعی افراد و گروه‌ها در جامعه می‌شود. افراد با مصرف موسیقایی، به لحاظ نمادین، با زندگی روزمره درگیر می‌شوند. بنابراین، همان گونه که گروسبرگ^۲ استدلال می‌کند، فهم معنای موسیقی «مستلزم طرح این پرسش است که موسیقی چه چیزی به ما می‌دهد و چه فرصت‌ها و امکاناتی در اختیار ما قرار می‌دهد تا در زندگی روزمره از آن بهره بگیریم؟» (گروسبرگ، ۱۹۸۶: ۵۲ به نقل از بنت، ۱۳۸۶: ۱۹۱). بنابراین، مصرف موسیقی مردم‌پسند، به منزله نمادی در بین کنشگران، ممکن است برای ایجاد سرمایه اجتماعی تفسیر شود.

در رهیافت تلفیقی، که شکل‌گیری نظری آن‌ها تلفیقی از رهیافت برساخت‌گرا و انتقادی است، اعتقاد بر این است که شکل‌گیری تصور ذهنی افراد از جهان و کنش‌های آن‌ها در نتیجه مصرف موسیقی مردم‌پسند است. بنابراین، برای فهم کارکردهای موسیقی مردم‌پسند باید نقش آن را در زندگی اجتماعی واکاوی کرد. در رویکرد تلفیقی بورديو باید گفت که موسیقی، به منزله سرمایه‌ای فرهنگی^۳، به خودی خود معنا نمی‌شود؛ معنا در ذات موسیقی نیست، بلکه

1. Machlis

2. Grossberg

۳. از نظر بورديو، سرمایه بسته به عرصه‌ای که در آن عمل می‌کند به شکل‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، و نمادین ظهور پیدا می‌کند.

تحلیل کیفی موسیقی مردم‌پسند و برساخت سرمایه اجتماعی

محصول مناسبات اجتماعی میان همه عناصر مرتبط با میدان موسیقی است. بورديو، با توجه دادن به تنوع ذائقه زيباشناختی، به این نکته تأکید می‌کند که یکی از کارکردهای ذائقه این است که به افراد درکی از جایگاهشان در نظام اجتماعی می‌دهد و آن‌هایی را که ترجیح همسانی دارند به هم نزدیک می‌کند (ودادهیر، ۱۳۹۰: ۱۷۴). نکته اساسی تری که در رویکرد بورديو مورد توجه است قابلیت تبدیل شدن سرمایه فرهنگی - که موسیقی عنصر مهمی از آن است - به سرمایه اجتماعی یا سایر سرمایه‌هاست. از نظر بورديو، موسیقی مردم‌پسند قابلیت تبدیل به انواع سرمایه از جمله سرمایه اجتماعی را دارد.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش از نوع روش‌های کیفی، روش نظریه زمینه‌ای^۱، است. از نظر پارادایمی، تحقیق کیفی اصولاً مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی - برساخت‌گرایی اجتماعی است. استراوس و کوربین در سال ۱۹۹۴ گراند تئوری را این گونه تبیین کردند:

گراند تئوری (نظریه زمینه‌ای) یک روش پژوهش عمومی برای تولید تئوری است. منظور از نظریه زمینه‌ای، نظریه برگرفته از داده‌هایی است که در طی فرایند پژوهش به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل می‌شوند. در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استنتاج می‌شود ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند. پژوهشگر، به جای اینکه مطالعه خود را با نظریه از پیش تصور شده‌ای آغاز کند، کار را با یک حوزه مطالعاتی خاص شروع می‌کند و اجازه می‌دهد که نظریه از دل داده‌ها پدیدار شود. نظریه برگرفته از داده‌ها، نسبت به نظریه‌ای که حاصل جمع‌آوردن یک سلسله مفاهیم بر اساس تجربه یا تأملات صرف است، با احتمال بیشتری می‌تواند نمایانگر واقعیت باشد و از آنجا که نظریه‌های زمینه‌ای از داده‌ها استنتاج می‌شوند، می‌توانند با ایجاد بصیرت و ادراک عمیق‌تر رهنمود مطمئنی برای عمل باشند.

مشارکت‌کنندگان و نمونه‌گیری

مشارکت‌کنندگان این پژوهش عبارت بودند از هجده دانشجو از دانشجویان دانشگاه پیام نور پیرانشهر از استان آذربایجان غربی. جدول ۱ اطلاعات جزئی‌تر آن را نشان می‌دهد.

1. grounded theory

جدول ۱. مشخصات دموگرافیک مصاحبه‌شوندگان

ردیف	جنسیت	سن	قومیت	وضعیت تأهل	رشته تحصیلی	سال ورودی	محل سکونت
۱	دختر	۲۵	کردی	مجرد	جغرافیا	۱۳۸۹	روستای زیوه پیرانشهر
۲	دختر	۲۲	کردی	مجرد	جغرافیای شهری	۱۳۹۰	پیرانشهر
۳	دختر	۲۲	آذری	متأهل	علوم تربیتی	۱۳۸۸	ارومیه
۴	دختر	۲۳	کردی	مجرد	علوم تربیتی	۱۳۹۰	پیرانشهر
۵	پسر	۳۳	کردی	متأهل	علوم تربیتی	۱۳۸۸	پیرانشهر
۶	دختر	۲۲	کردی	مجرد	جغرافیای انسانی	۱۳۸۸	پیرانشهر
۷	دختر	۳۰	کردی	مجرد	روان‌شناسی	۱۳۸۸	پیرانشهر
۸	دختر	۱۹	کردی	مجرد	حقوق	۱۳۹۰	پیرانشهر
۹	پسر	۲۳	کردی	مجرد	روان‌شناسی	۱۳۸۹	پیرانشهر
۱۰	دختر	۲۱	کردی	مجرد	جغرافیای شهری	۱۳۹۰	روستای زیوه پیرانشهر
۱۱	پسر	۲۲	کردی	مجرد	پژوهشگری علوم اجتماعی	۱۳۸۹	روستای اندیزه پیرانشهر
۱۲	دختر	۲۲	کردی	مجرد	پژوهشگری علوم اجتماعی	۱۳۸۹	پیرانشهر
۱۳	دختر	۲۰	کردی	مجرد	حقوق	۱۳۹۰	روستای پسوه پیرانشهر
۱۴	پسر	۲۶	کردی	مجرد	پژوهشگری علوم اجتماعی	۱۳۸۹	روستای قلعه‌رش سردشت
۱۵	دختر	۲۲	کردی	مجرد	پژوهشگری علوم اجتماعی	۱۳۸۹	روستای سیلوه پیرانشهر
۱۶	دختر	۲۲	کردی	مجرد	پژوهشگری علوم اجتماعی	۱۳۸۹	روستای زیوه پیرانشهر
۱۷	دختر	۲۳	کردی	مجرد	پژوهشگری علوم اجتماعی	۱۳۸۸	پیرانشهر
۱۸	دختر	۲۴	آذری	مجرد	پژوهشگری علوم اجتماعی	۱۳۸۸	نقده

تحلیل کیفی موسیقی مردم‌پسند و برساخت سرمایه اجتماعی

در پژوهش‌هایی که با استفاده از روش تحقیق کیفی انجام می‌شود تعداد دقیق افراد نمونه از قبل مشخص نیست، بلکه نمونه‌گیری در میدان تحقیق انجام می‌گیرد و پژوهش‌هنگامی متوقف می‌شود که به اشباع نظری رسیده باشیم. در این پژوهش، متناسب با استراتژی تحقیق، نمونه‌گیری به شیوه نمونه‌گیری نظری^۱ و هدفمند^۲ صورت گرفت. در فرایند پژوهش، انتخاب نمونه و جمع‌آوری داده‌ها تا زمان رسیدن به اشباع نظری^۳ ادامه یافت.

تکنیک‌های گردآوری اطلاعات

با توجه به ماهیت موضوع و همچنین بر اساس استراتژی «روش نظریه‌مبنایی» و همچنین جامعه مورد مطالعه، از همه روش‌ها و تکنیک‌ها و ابزارهای تحقیق کیفی استفاده شد. اما، تکنیک محوری و اصلی برای گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق و باز بود. علاوه بر این، مشاهده‌های مشارکتی و مستقیم پژوهشگر در میدان‌های موسیقی، اعم از استودیوها، مراکز فرهنگی-هنری، سالن‌های کنسرت، و جشنواره‌های موسیقی، و حضور پررنگ به عنوان ترانه‌سرا و ملودی‌پرداز در آلبوم‌های موسیقی مردم‌پسند بر غنای تجربی پژوهش افزود.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش به صورت کدگذاری داده‌ها در سه سطح کدگذاری باز^۴، کدگذاری محوری^۵، و کدگذاری انتخابی^۶ صورت پذیرفت. در مرحله کدگذاری باز شناسایی، نام‌گذاری، توصیف، و طبقه‌بندی داده‌ها صورت گرفت و در مرحله کدگذاری محوری مفاهیم و مقوله‌هایی که در مرحله کدگذاری باز شناسایی شده بودند در تجزیه و ترکیبی جدید به یکدیگر مرتبط شدند. در نهایت، در کدگذاری انتخابی محققان تلاش کردند تا بتوانند از دل داده‌ها مدلی تحلیلی برای موسیقی مردم‌پسند و سرمایه اجتماعی استخراج کنند.

1. theoretical sampling

۲. بدین ترتیب که محقق به طور هم‌زمان که داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعدی گردآوری و آن‌ها را از کجا پیدا کند تا بدین وسیله نظریه را در حین شکل‌گیری‌اش تدوین کند. نظریه در حال تدوین فرایند گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند.

3. theoretical saturation

4. open coding

5. axial coding

6. selective coding

اعتبار^۱ داده‌ها

در ارزیابی عملی اعتبار در تحقیقات کیفی اتفاق نظر نیست (ایمان، ۱۳۸۸؛ ایمان، ۱۳۸۹). در مطالعه حاضر برای دستیابی به اعتبار در این پژوهش جنبه‌های مختلفی مد نظر قرار گرفت. استاد راهنما، به عنوان بازرس خارجی^۲، در همه مراحل پژوهش ناظر و راهنما بود. همچنین، در مسیر تحقیق با همتایان^۳ علمی تبادل نظر شد.

از روش‌های دیگر اعتبارسنجی در روش کیفی اعتبار از طریق اعضاست. در این روش، اعضا توصیف محقق را انعکاس دنیای اجتماعی خود می‌دانند (ایمان ۱۳۸۸: ۱۸۱؛ ایمان ۱۳۸۹: ۹۶). در این تحقیق نیز نتایج تحقیق به مصاحبه‌شوندگان برگردانده شد. سپس، آرای آن‌ها مطابقت داده شد. روش دیگری که محققان کیفی بدان تأکید می‌کنند مهارت و دقتی است که محققان باید داشته باشند (پاتن، ۲۰۰۲: ۱۹). در پژوهش حاضر برای افزایش دقت و کسب داده‌های معتبر و برای جلب اعتماد بیشتر مصاحبه‌شوندگان و کاهش فاصله پژوهشگر و مصاحبه‌شوندگان در میدان تحقیق، همه مصاحبه‌ها به‌جز دو مورد به زبان بومی منطقه، یعنی زبان کردی، انجام پذیرفت.

یافته‌های پژوهش

برای دستیابی به نظریه‌ای برآمده از خصوصیات واقعی موسیقی مردم‌پسند و سرمایه اجتماعی، محققان کوشیدند با مصاحبه‌های عمیق و ممتد در ساختار درونی ارزش‌ها و نگرش‌ها و تجارب مصاحبه‌کنندگان تعمق کنند. نخست، در مرحله کدگذاری باز با هدف خردکردن داده‌ها و مشخص کردن ویژگی و ابعاد آن‌ها، درون یک مصاحبه کدهای زیادی استخراج شد. وقتی داده‌ها به طور مرتب بازنگری شد، کدهای جدید اصلاح و کدهای نهایی مشخص شد. در مرحله بعد، مفاهیم بر اساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه‌بندی شد.

جدول کدگذاری باز: شامل دو بخش است: جدول کدهای اولیه استخراجی از مصاحبه‌ها (سطح اول) و جدول طبقه‌های استخراج شده از مفاهیم به همراه کدهای ثانویه آن‌ها (سطح دوم).

1. truthworthiness
2. external audits
3. peer debriefing

کدگذاری سطح اول: در این مرحله به همه نکات کلیدی مصاحبه‌ها برچسب‌های مفهومی مناسبی داده می‌شود. سپس، آن‌ها را در یک جدول قرار می‌دهند. در اینجا، از باب نمونه، کدگذاری باز یکی از مصاحبه‌ها (جدول ۲) آورده می‌شود:

جدول ۲. کدگذاری سطح اول

کدگذاری سطح اول مصاحبه چهارم	
۱. مصرف فعال موسیقی مردم‌پسند	۲۵. عدم بیان اعتراض توسط موسیقی
۲. موسیقی: آرامش روانی و سازگاری	۲۶. مردسالاری در موسیقی
۳. درک مفاهیم موسیقایی	۲۷. طرفداری فعال
۴. موسیقی: خستگی‌ناپذیری و عدم احساس تنهایی	۲۸. خوانندگان گروه مرجع مخاطبان
۵. موسیقی و همخوانی با روحیات شخص	۲۹. کنشگری و بازیابی معنا در موسیقی
۶. موسیقی و فضای ایده‌آل	۳۰. زنان، موسیقی، و افتخار آفرینی و ورود به میدان قدرت
۷. موسیقی و بالابردن آستانه تحمل	۳۱. مقایسه وضعیت موسیقی و آشنایی با فرهنگ‌ها
۸. کارکردهای موسیقی	۳۲. تفاوت ذائقه‌ها تابعی از تفاوت سنی و ویژگی‌های روانی
۹. تشخیص واقعی بودن مفاهیم موسیقایی	۳۳. تجربه و عبرت‌آموزی از موسیقی
۱۰. درون‌فهمی در مصرف موسیقی	۳۴. موسیقی: هویت و انتقال تجارب
۱۱. موسیقی و تغییر در حالات روانی	۳۵. معنماحوری در موسیقی
۱۲. موسیقی، مناسبات و روابط اجتماعی	۳۶. موسیقی به عنوان محرک روانی
۱۳. موسیقی: حامل پیام مهم	۳۷. موسیقی: عامل آشتی
۱۴. موسیقی برای همه دوره‌های سنی	۳۸. خوانندگان: سفیران آشتی
۱۵. موسیقی: رسانه‌ای سریع و در دسترس	۳۹. موسیقی، هویت پایا و اصالت تاریخی
۱۶. موسیقی: دروازه‌ای برای آشتی اقوام و گفت‌وگوی فرهنگ‌ها	۴۰. موسیقی و روابط پایدار اجتماعی
۱۷. صمیمیت طرفداران	۴۱. موسیقی به عنوان هدیه
۱۸. موسیقی و سؤال هویت: تو کیستی؟	۴۲. موسیقی، باران و خاطرات
۱۹. موسیقی: سازگاری و عدم احساس تنهایی	۴۳. موسیقی، تابع شرایط روحی در زمینه‌های اجتماعی
۲۰. موسیقی و کمک به خودیابی	۴۴. موسیقی محلی و اصالت و نجابت قومی
۲۱. انحرافی نبودن موسیقی مردم‌پسند	۴۵. موسیقی: پنجره‌ای به جهان ناشناخته
۲۲. خوانش انتقادی و کنشگرانه از موسیقی	۴۶. موسیقی: اشباع تصور و خیال مخاطبان
۲۳. موسیقی و انتظام در زندگی	۴۷. موسیقی: کاهش ناراحتی و فرار از وضعیت ناخوشایند
۲۴. انعطاف در ذائقه موسیقایی	

کدگذاری سطح دوم (متمرکز): در مرحله بعد، کدگذاری‌های اولیه به علت تعداد فراوان آن‌ها به کدهای ثانویه تبدیل می‌شود. در این روند کدهای مشابه در یک طبقه جای می‌گیرد و چند کد ثانویه نیز به یک کد مفهومی تبدیل می‌شود. جدول ۳ نتایج کدگذاری باز بر اساس کدهای ثانویه، کدهای مفهومی، و مقولات را نشان می‌دهد.

جدول ۳. کدگذاری سطح دوم (متمرکز)

مقولات	کدهای مفهومی	کدهای ثانویه
هدیه موسیقایی	موسیقی همچون هدیه و تداوم بخش به ارتباط	<ul style="list-style-type: none"> - ارزشمندبودن «هدیه» - موسیقی: حاوی پیام‌های مؤثر در تداوم ارتباط بدون حضور افراد - ارجحیت هدیه موسیقایی و ارزش معنوی آن - هدیه موسیقایی و فضای ارتباط‌آمیز - هدیه موسیقایی وسیله‌ای برای تبدیل پیوندهای «ضعیف» به «قوی»
پیوندهای خانوادگی	موسیقی همچون بستری برای تسهیل روابط خانوادگی و گسترش عواطف انسانی	<ul style="list-style-type: none"> - بستری برای شروع روابط و تعامل کنشگران اجتماعی و تسهیل فرایند ارتباطی - عاملی برای تحکیم روابط و توسعه سرمایه اجتماعی در درون شبکه خانوادگی - تملیق نمودن فضا و ایجاد حس آرامش در درون خانواده - بستری برای گفت‌وگو و تبادل پیام‌های محبت‌آمیز والدین و فرزندان و همچنین والدین در بین خودشان - موسیقی و پیوند آن با زندگی زوج‌های جوان
آشتی اجتماعی	موسیقی و ترویج برابری و آشتی اقوام و ملل و تلاش برای حمایت از ملل و توسعه خودآگاهی فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> - در جهان نابرابر و پیام‌های برابری خواهانه در موسیقی مردم‌پسند - تسریع روند صلح جهانی و آشتی اجتماعی ملل - موسیقی به مثابه چتر حمایتی تمام فرهنگ‌ها و جوامع مورد تهدید و هجوم دنیای سرمایه‌داری - سرمایه اجتماعی اقوام و ملل و مقابله با روند سوگیرانه «جهانی شدن» - موسیقی و «خودآگاهی فرهنگی» - دروازه‌ای برای آشتی اقوام و توسعه روابط فی‌مابین
پیوندهای دوستانه	موسیقی همچون بستری برای ارتباط دوستانه و تداوم آن و معنابخشی به زندگی اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد صمیمیت و دوستی، برجسته‌سازی مؤلفه اعتماد و توسعه سرمایه اجتماعی - ارائه پیام‌های مورد توافق معنایی افراد و گروه‌بندی افراد - موسیقی به مثابه حلقه اتکای افراد برای شروع یا گسترش دوستی - ذائقه‌های مشترک، احساس مشترک، و افزایش اعتماد اجتماعی - معناگرایی و تداوم فرایند روابط افراد و گروه‌های اجتماعی و ایجاد فرصت تفکر درباره دیگری و بستری برای گسترش شبکه روابط اجتماعی - موسیقی و خصلت دوسویه - تداوم زندگی واقعی و بازاندیشی و تجدیدبخشی به آن
موسیقی و آستانه تحمل	موسیقی، ایجاد تمرکز فکری، و بسترسازی برای مدیریت اختلالات در روابط اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - به تعویق انداختن روابط مجدد و فرصت تفکر به اعمال شخصی و بازاندیشی برای بنیاد نهادن پیوندهای قوی - موسیقی و ایجاد فرصت برای «کنش گریستن» و فراموشی فشارهای ناشی از زندگی روزمره و شرایط نامساعد محیطی و کسب تعادل اولیه - موسیقی و آمادگی برای مدیریت اختلال به وجود آمده در روابط پیشین - موسیقی و توسعه دایره صبر و تحمل مخاطبان و دعوت به روابط بازاندیشانه

تحلیل کیفی موسیقی مردم‌پسند و بر ساخت سرمایه اجتماعی

شکل‌دهی طبقات اصلی: پس از تعیین مقولات، مرحله ساخت طبقات اصلی نظریه است

(جدول ۴).

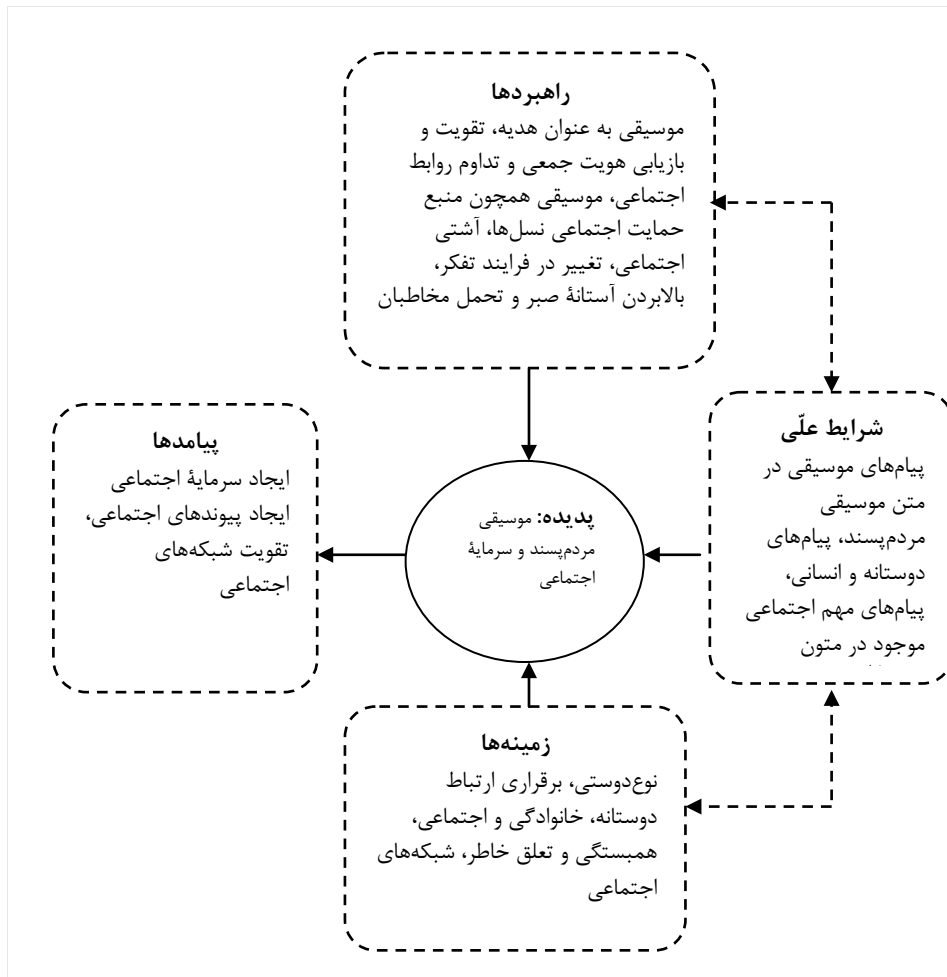
جدول ۴. شکل‌دهی طبقات کلی از مقولات

مقولات فرعی	طبقات اصلی
موسیقی و پیام‌های مهم	موسیقی به عنوان هدیه
فضای ارتباط‌آمیز هدیه موسیقایی	
اهمیت معنوی و ارزشی هدیه موسیقایی	
موسیقی و ایجاد صمیمیت	موسیقی و تقویت روابط خانوادگی
بستری برای آغاز رابطه	
موسیقی و تسهیل روابط اجتماعی	
موسیقی و تحکیم روابط خانوادگی	
موسیقی و تلطیف‌نمودن فضا و ایجاد حس آرامش در درون خانواده	
بستری برای گفت‌وگو و تبادل پیام‌های محبت‌آمیز والدین و فرزندان	موسیقی و آشتی اجتماعی
نقش موسیقی در زندگی زوج‌های جوان	
موسیقی: زبانی جهانی و همه‌فهم	
موسیقی و پیام‌های برابری خواهانه	
موسیقی و ترویج نوع‌دوستی	
موسیقی و بازیابی هویت جمعی	
موسیقی: منبع حمایت اجتماعی	موسیقی و پیوندهای دوستانه
موسیقی و خودآگاهی فرهنگی	
موسیقی: زمینه شروع روابط	
موسیقی: ذائقه مشترک و توافق معنایی	
موسیقی و گسترش شبکه دوستی	موسیقی، بالابردن آستانه صبر و تحمل مخاطبان
موسیقی: زمینه‌ساز جامعه‌ای آگاه و انسجام‌یافته	
موسیقی و تدارک فضای آرام	
فراموشی فشارهای اجتماعی و تحمل شرایط نامساعد محیطی	موسیقی و ایجاد فرصت برای تمرکز
موسیقی و ایجاد فرصت برای تمرکز	

کدگذاری محوری: در مرحله دوم تجزیه و تحلیل، مقوله‌های تولیدشده در مرحله اول، بر

اساس مدل پارادایم، با هم مرتبط شدند. بر اساس کدگذاری محوری مدل پارادایم، ارتباط بین

این مقولات به گونه‌ای شفاف نشان داده شده است.



نمودار ۱. مدل پارادایم موسیقی مردم‌پسند و بر ساخت سرمایه اجتماعی

کدگذاری انتخابی: هدف گراند تئوری تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده‌ها. برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، طبقه‌ها باید به طور منظم با یکدیگر مرتبط باشند. کدگذاری انتخابی (بر اساس دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی نظریه‌سازی است. بدین ترتیب که طبقه محوری را به شیوه‌ای سیستماتیک به دیگر طبقه‌ها پیوند می‌دهد و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه می‌نماید، و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند ویرایش و اصلاح می‌کند. در این مرحله، پژوهشگر، بر حسب فهم و تفسیر خود از پدیده مورد مطالعه و

تحلیل کیفی موسیقی مردم‌پسند و برساخت سرمایه اجتماعی

مدل پارادایمی، نظریه نهایی برآمده از داده‌ها را بیان می‌کند. موسیقی از طریق ایجاد و حفظ روابط دوستانه، تلطیف نمودن فضای خانوادگی، ایجاد ایستگاه تفکر، و همچنین بالابردن سطح صبر و تحمل افراد و اعتمادسازی نقش بی‌بدیلی در ایجاد سرمایه اجتماعی دارد. همچنین، موسیقی در زندگی زوج‌های جوان تأثیرات بسیار اساسی و پایداری دارد؛ در ذیل به هر یک از مؤلفه‌های مذکور پرداخته می‌شود.

موسیقی به عنوان هدیه

به‌رغم ارزشمندبودن «هدیه»، فارغ از آنکه هر چه باشد، موسیقی خود نیز حاوی پیام‌های درونی است که می‌تواند موجب تداوم ارتباط شود و بستری برای ارتباط بدون حضور افراد فراهم سازد. شنیدن آهنگ‌های یک آلبوم موسیقی گاهی چنان تصور می‌شود که انگار خود شخص هدیه‌دهنده سخن می‌گوید و رازهای درونی‌اش را بازگو می‌کند؛ آلبوم موسیقی از این جهت بر دیگر هدایا ارجحیت دارد و بیشتر مورد قبول واقع می‌شود. هدیه موسیقایی فضایی ارتباط‌آمیز است که به شیوه‌ای ذهنی افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد. برای روشن‌تر شدن این موضوع به مواردی از نقل‌قول‌ها اشاره می‌شود:

هاوار سی‌وسه‌ساله و دانشجوی رشته علوم تربیتی: «همسرم آلبوم میژوو^۱ اثر احمد لاهو^۲ را برای سالگرد ازدواجمان به من هدیه کرد. خیلی عالی است! واقعاً. از نگاه من، خود موسیقی و هدیه‌دادن دو چیز ارزشمندند و آلبوم موسیقی هدیه شایسته‌ای است به خاطر بار معنوی‌اش.»

هدیه موسیقایی با برخورداری از بار معنایی و ارزش معنوی هدیه‌ای با ارزش تلقی می‌شود و موجب استحکام ارتباطات در درون جامعه می‌شود و هدیه‌ای منحصربه‌فرد است که هیچ چیز دیگری نمی‌تواند جای آن را بگیرد. هدیه‌دادن آلبوم موسیقی یا عکس هنرمندان از سوی زندگی افراد را به فضای موسیقایی می‌کشاند که در فرایند تفکر و اندیشیدن آنان بسیار تأثیرگذار است و از سوی دیگر تغییر فرایند تفکر به تغییر کنش‌های متقابل آنان می‌انجامد. هدیه موسیقایی وسیله‌ای برای تبدیل پیوندهای ضعیف^۳ به پیوندهای قوی^۴ است؛ که این خود به گسترش سرمایه اجتماعی یاری می‌رساند.

۱. به معنای تاریخ.

۲. احمد لاهو یکی از هنرمندان و استادان آواز در موسیقی کردی در استان آذربایجان غربی است که صاحب سبک است. بیشترین شهرت وی به سبب اجرای بی‌نظیر آهنگ «کانی» به معنای «چشمه» است. او آخرین اثر خود را در سال ۱۳۹۲ با عنوان «میژوو» منتشر کرده است.

3. weak ties

4. strong ties

موسیقی و تقویت روابط خانوادگی

موسیقی باعث شروع روابط و تعامل کنشگران اجتماعی می‌شود و این‌گونه روابط را تسهیل می‌کند و یکی از عوامل تحکیم روابط و گسترش سرمایه اجتماعی در درون شبکه خانوادگی است، برای نمونه:

روناک بیست‌ودوساله و دانشجوی رشته جغرافیای شهری: «بعضی آهنگ‌ها باعث صمیمیت می‌شود. در خانواده خودت اصلاً باعث می‌شود که رفتارت تغییر کند، جور دیگری رفتار کنی؛ این تجربه را داشته‌ام.»

موسیقی باعث تحکیم روابط خانوادگی و توسعه این‌گونه روابط می‌شود. موسیقی با تلطیف نمودن فضا و ایجاد حس آرامش در درون خانواده بستری برای گفت‌وگو و تبادل پیام‌های محبت‌آمیز والدین و فرزندان و همچنین والدین در بین خودشان فراهم می‌سازد. علاوه بر آن، موسیقی در زندگی زوج‌های جوان بسیار تأثیرگذار است؛ به شیوه‌ای که زوج‌های جوان تمایل دارند همه فیلم مراسم ازدواجشان را با موسیقی همگام نمایند و فرایند همه امور مربوط به این مراسم را به شکل موزیک-ویدئو درآورند که چنین حالتی پدیده‌ای مقبول و پذیرفتنی در میان مردم است.

موسیقی و آشتی اجتماعی

موسیقی همچون حلقه‌ای مردمان و فرهنگ‌های گوناگون را به هم پیوند می‌دهد و ارتباط بین آنان را صمیمی‌تر و مطمئن‌تر می‌کند و موجب آشتی اجتماعی می‌شود. موسیقی دروازه‌ای است برای آشتی اقوام و توسعه روابط فی‌مابین. موسیقی می‌تواند مبنایی برای گفت‌وگو و آشنایی فرهنگ‌ها باشد. رابطه صمیمی خوانندگان و هنرمندان محبوب از هر زبان با زبان‌های دیگر در درجه اول به محبوبیت و شهرت بیشتر خوانندگان می‌انجامد و دایره طرفداران آنان گسترش پیدا می‌کند و در درجه دوم طرفداران را با هم در روابطی ناگسستنی قرار می‌دهد که می‌تواند مبنایی برای تعامل در امور دیگر در آینده باشد. پذیرش یک خواننده یا یک نوع سبک موسیقی دقیقاً به معنای پذیرش فرهنگ آن جامعه است، نمونه:

چاوره بیست‌وسه‌ساله و دانشجوی رشته علوم تربیتی: «موسیقی روی صمیمیت و دوستی تأثیر می‌گذارد، مثلاً ما کردها شاید چندان هم موسیقی فارسی را نپسندیم، ولی مثلاً امید چند سال پیش یک آهنگ کردی خوانده که در بین کردها محبوبیت پیدا کرده است. همه خواننده‌ها باعث آشتی و دوستی ما شده‌اند.»

موسیقی و برقراری رابطه دوستانه

موسیقی می‌تواند زمینه‌ای برای شروع روابط مستحکم و قابل اعتماد دوستانه باشد یا حداقل شخص را برای چنین ارتباطی آماده کند. موسیقی با ارائه پیام‌های مورد توافق معنایی افراد آنان را در گروه‌های اجتماعی ویژه‌ای جای می‌دهد و گروه‌بندی می‌کند. موسیقی، به منزله واسطه ارتباط، فاصله طرفین رابطه را کمتر می‌کند. موسیقی همچون حلقه‌ای است که افراد را برای شروع یا گسترش دوستی به آن تکیه می‌کنند. موسیقی مقدمه رابطه‌ای پایدار است. موسیقی با جای دادن پیام‌های اجتماعی و انسانی ذائقه‌های مشترکی را به وجود می‌آورد؛ افراد از طریق ذائقه‌های مشترک با هم احساس نزدیکی و به یکدیگر بیشتر اعتماد می‌کنند، بنابراین، ارتباطشان ادامه می‌یابد، نمونه:

معصومه بیست و پنج ساله و دانشجوی رشته جغرافیا: «من خودم که عدنان کریم^۱ را دوست دارم. و دوست دارم کسی را پیدا کنم که او هم عدنان را دوست داشته باشد و از او بپرسم که چه جور عدنان را دوست دارد؟ این یک رابطه تعاملی ایجاد می‌کند و باعث صمیمیت ما می‌شود. یا طرفداران یک خواننده در یک کنسرت همه با هم احساس نزدیکی می‌کنند.»

هاوار سی و سه ساله و دانشجوی رشته علوم تربیتی: «علاقه مشترک ما به یک خواننده خاص دروازه بحث ما می‌شود و بیشتر درباره علایق و سلیقه‌هایمان سؤال می‌کنیم. بعد از مدتی می‌بینید یک دنیا حرف برای گفتن با هم دارید. قبلاً هم گفتم، با موسیقی می‌شود شخصیت آدم‌ها را محک زد.»

موسیقی دروازه‌ای است برای شروع بحث و گفت‌وگو. موسیقی زمینه‌ای فراهم می‌آورد که افراد آزادانه و صمیمی با هم ارتباط کلامی برقرار نمایند و در دفعات بعد نیز این ارتباط از طریق موسیقی تقویت می‌شود و گسترش می‌یابد. موسیقی به سبب ویژگی معناگرایانه‌اش فرایند ارتباط را طولانی‌تر می‌کند و به افراد و گروه‌های اجتماعی فرصت تفکر درباره دیگری را می‌دهد. بدین ترتیب، موسیقی در کنش‌های آنان نقش بسزایی دارد. اما، از سویی دیگر، عده‌ای از مصرف‌کنندگان موسیقی مردم‌پسند هرگز تجربه دوستی از طریق موسیقی را نداشته‌اند.

موسیقی و حفظ پیوندهای دوستانه

موسیقی می‌تواند بستری برای شروع یا گسترش شبکه روابط اجتماعی باشد. موسیقی بستری برای ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی است؛ سرمایه اجتماعی‌ای که از طریق صمیمیت و روابط

۱. عدنان کریم یکی از هنرمندان محبوب و صاحب سبک در موسیقی کُردی است که بیشتر آثارش در راستای آشتی و توسعه روابط اجتماعی و همچنین مضامین عرفانی است.

تحکیم یافته افراد به واسطه موسیقی به وجود آمده نه تنها دچار فرسایش نخواهد شد، بلکه زمینه‌ساز جامعه‌ای آگاه به مسائل، معتدل، و انسجام‌یافته است، نمونه:

زهرای بیست و دو ساله و دانشجوی رشته علوم تربیتی: «فکر می‌کنم موسیقی دوستی و صمیمیت را بیشتر می‌کند. گاهی وقت‌ها، آدم‌ها از طریق موسیقی با هم آشنا می‌شوند. موسیقی آرامش و صمیمیت بین افراد جامعه را بیشتر می‌کند.»

کریم بیست و سه ساله و دانشجوی رشته روان‌شناسی: «من کسی را که با من در موسیقی هم‌نظر است واقعاً از ته دل دوست دارم؛ حتی اگر فقط در یک آهنگ با من هم‌نظر باشد.»
گلچین بیست و یک ساله و دانشجوی جغرافیای شهری: «با دوستانم آهنگ‌های فارسی عاشقانه را گوش کردیم برای حفظ دوستی‌مان.»

موسیقی توانایی دارد تا به یک رابطه دوستانه صمیمیت و استحکام ببخشد یا با استفاده از محرک‌های خاص خودش آن را کم‌رنگ کند. موسیقی و مفاهیم موجود در آن پدیده‌های مجرد و تک‌افتاده نیستند که با دیگر ابعاد زندگی مصرف‌کنندگان پیوند نداشته باشند، بلکه می‌توان گفت موسیقی تداوم زندگی واقعی و به نوعی بازاندیشی و تجدیدبخشی به آن است. زندگی روزمره با مفاهیم موسیقی تغییر و تعدیل می‌یابد و این امر در روند تسهیل روابط اجتماعی مؤثر است، نمونه:

طیبه بیست ساله و دانشجوی رشته حقوق: «شده برای حفظ دوستی‌مان از موسیقی استفاده کنیم. سال ۱۳۹۰ آهنگ 'نه مه‌جنونم، نه فراهام' از سالار مرادی به بازار آمده بود. چهار دوست بودیم؛ هر نفر یک سی‌دی را فقط به خاطر این آهنگ پُر کردیم. به نظرم، موسیقی باعث شده که انسان‌ها به طرف همدیگر سوق پیدا کنند. مثلاً به کنسرت را نگاه کن؛ هزاران آدم به خاطر یک نفر آمده‌اند؛ این نشانه آن است که موسیقی آدم‌ها را به هم پیوند می‌دهد.»
موسیقی ابزاری است که باید برنامه‌ریزی شود و در روابط اجتماعی گنجانده شود؛ چنانچه در وضعیت خاصی موسیقی ویژه‌ای پخش شود، ممکن است بر نوع رابطه دوستانه تأثیر مثبت یا منفی بگذارد، نمونه: پروین سی ساله و دانشجوی رشته روان‌شناسی: «همیشه برای حفظ دوستی و نزدیکی از موسیقی استفاده کرده‌ام، مثلاً آهنگ‌های طاهر توفیق^۱ و علی مردان^۲ از این طریق در بین ما رواج پیدا کرده.»

۱. از هنرمندان موسیقی سنتی گردی.

۲. از هنرمندان موسیقی سنتی گردی.

موسیقی، بالابردن آستانه صبر و تحمل مخاطبان

موسیقی می‌تواند فضایی تدارک ببیند که مخاطب با قرار گرفتن در آن فضا دردهای درونی‌اش را بیرون ببرد و بعد از گریستن هم‌زمان با گوش کردن به موسیقی مجدداً تعادل روانی خود را باز یابد. نیز موسیقی موجب می‌شود در روابط اجتماعی و خانوادگی فرد اختلالی ایجاد نشود. موسیقی با به‌تعویق انداختن روابط مجدد و فرصت تفکر به اعمال شخصی این امکان را فراهم می‌آورد که افراد با بازاندیشی در تجربیاتشان روابط مستحکم‌تر و معقول‌تری را بنیاد نهند، نمونه: هاوار سی‌وسه‌ساله و دانشجوی رشته علوم تربیتی: «با توجه به اینکه فضای روحی من با شغلم همخوانی ندارد، موسیقی در تحمل کردن این فضا بسیار تأثیر گذاشته است.»

موسیقی همچنان که باعث شادی و تغییر و تنوع در سبک زندگی افراد می‌شود، فرصتی به‌وجود می‌آورد که افراد از طریق آن فشارهای ناشی از زندگی روزمره و شرایط نامساعد محیطی را به فراموشی بسپارند و مجدداً به تعادل اولیه دست یابند. موسیقی موجب می‌شود که افراد آمادگی پیدا کنند تا اختلال به‌وجودآمده در روابط پیشین را مدیریت کنند. موسیقی با گسترش دایره صبر و تحمل مخاطبان آنان را به روابطی بازاندیشانه فرامی‌خواند.

نتیجه‌گیری و بحث

از نتایج درخور توجه این پژوهش آن است که موسیقی مردم‌پسند می‌تواند کارکرد مثبتی در جامعه داشته باشد. موسیقی مردم‌پسند از طریق هدیه موسیقایی، با برخوردار بودن از بار معنایی مثبت و ارزش معنوی، موجب استحکام ارتباطات در درون جامعه می‌شود. موسیقی مردم‌پسند، با تلطیف فضا و ایجاد حس آرامش در اجتماع، بستری برای گفت‌وگو و تبادل پیام‌های محبت‌آمیز فراهم می‌آورد و سبب روابط و تعامل کنشگران اجتماعی می‌شود و به گونه‌ای روابط اجتماعی را تسهیل می‌کند. همچنین، به‌اشتراک‌گذاری موسیقی مردم‌پسند و تعامل طرفداران با یکدیگر می‌تواند مبنایی برای گفت‌وگو و آشنایی فرهنگ‌ها باشد. علاوه بر این، ذائقه‌های مشترک در موسیقی مردم‌پسند سبب احساس نزدیکی و اعتماد بیشتر افراد به یکدیگر و موجب تداوم‌بخشی ارتباط افراد می‌شود.

این مطالعه نشان داد که موسیقی مردم‌پسند زمینه‌ای مناسب برای شروع بحث و گفت‌وگو فراهم می‌آورد و افراد می‌توانند آزادانه و صمیمی با هم ارتباط کلامی برقرار کنند و در دفعات بعد این ارتباط را باز از طریق موسیقی تقویت کنند و گسترش بدهند. همچنین، برای افراد فرصتی فراهم می‌آورد تا از طریق آن فشارهای ناشی از زندگی روزمره و شرایط نامساعد محیطی را به فراموشی بسپارند و مجدداً به تعادل اولیه دست یابند و اختلال به‌وجودآمده در

روابط اجتماعی را مدیریت کنند. موسیقی مردم‌پسند موجب بالابردن آستانه صبر و تحمل مخاطبان می‌شود و آنان را به روابطی بازاندیشانه فرامی‌خواند. پیامد این عوامل و شرایط و زمینه‌ها به ایجاد سرمایه اجتماعی منجر خواهد شد. نتایج یافته‌ها بیانگر این مهم است که موسیقی مردم‌پسند فرصت‌ها و امکاناتی در اختیار افراد قرار می‌دهد تا در زندگی روزمره از آن بهره‌گیرند و کنش، رفتار، و مناسبات خود را بر اساس معنایی که از موسیقی مردم‌پسند اخذ می‌کنند شکل دهند. و سرانجام موسیقی مردم‌پسند به به هم پیوستگی احساسی و انسجام اجتماعی منجر می‌شود و به عنوان نمادی در بین کنشگران موجب ایجاد سرمایه اجتماعی می‌شود. این یافته پژوهش با نتایج و نظریه‌های لیپرت و مک‌کلر (۱۹۹۶) و دی‌نورا (۱۹۹۹)، که به کارکردهای مثبت موسیقی مردم‌پسند تأکید می‌کنند، مطابقت دارد. اما، مطالعه حاضر نتایج تحقیق برخی مطالعات مثل مطالعات پین (۲۰۰۳)، کاسیمو و فلچر (۲۰۰۳)، نگوس (۱۹۹۶)، جکسون (۲۰۰۱)، براشرز (۲۰۰۰)، و صمیم و قاسمی (۱۳۸۸) را - که به کارکردهای منفی موسیقی مردم‌پسند تأکید می‌کنند - تأیید نمی‌کند.

بر اساس رویکرد تلفیقی بوردیو، می‌توان استدلال کرد که موسیقی مردم‌پسند به افراد درکی از جایگاهشان در نظام اجتماعی می‌دهد و آن‌هایی را که ترجیح همسانی دارند به هم نزدیک می‌کند و، به منزله یکی از عناصر مهم سرمایه فرهنگی، باعث ایجاد سرمایه اجتماعی می‌شود.

شکل‌گیری تصویر ذهنی مثبت افراد از جهان در نتیجه مصرف موسیقی مردم‌پسند، همچون سرمایه‌ای مهم، می‌تواند نقش مثبتی در مناسبات و کنش‌های اجتماعی ایفا می‌کند و کارکرد مثبتی داشته باشد. با توجه به نظریه بوردیو، موسیقی مردم‌پسند قابلیت دارد که به سرمایه اجتماعی تبدیل شود و می‌تواند عاملی مهم باشد در حفظ و ایجاد پیوندهای اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، رفاقت، هم‌دردی، معاشرت اجتماعی، و سرانجام ایجاد سرمایه اجتماعی.

منابع

۱. احمدی، بابک (۱۳۸۹). *موسیقی‌شناسی (فرهنگ تحلیلی مفاهیم)*، تهران: نشر مرکز.
۲. استور، آنتونی (۱۳۸۸). *موسیقی و ذهن*، ترجمه غلامحسین معتمدی، چ ۳، تهران: نشر مرکز.
۳. ایمان، محمدتقی، زنجری، نسیم و اسکندری‌پور، ابراهیم (۱۳۸۹). «کندوکاو سیستم معانی ذهنی مصرف‌کنندگان موسیقی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۳(۴): ۸۵ - ۱۱۲.
۴. ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). *مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. بنت، اندی (۱۳۸۶). *فرهنگ و زندگی روزمره*، ترجمه لیلای جو افشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر اختران.

تحلیل کیفی موسیقی مردم‌پسند و برساخت سرمایه اجتماعی

۶. شوکر، روی (۱۳۸۴). *شناخت موسیقی مردم‌پسند*، ترجمه محسن الهامیان، تهران: مرکز چاپ و انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی؛ مؤسسه فرهنگی - هنری ماهور.
۷. فاضلی، محمد (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی مصرف موسیقی*، پژوهشگاه هنر و ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (ویژه مخاطبان خاص).
۸. صمیم، رضا (۱۳۹۲). «مطالعه جامعه‌شناسانه موسیقی مردم‌پسند، نگاهی به پیشینه تاریخی و هیافت‌های عمده نظری»، فصلنامه *جامعه، فرهنگ و رسانه*، ۲(۸): ۱۱۷ - ۱۴۳.
۹. صمیم، رضا (۱۳۹۲). «برساخت سوژه در فرایند مصرف فرهنگ مردم‌پسند: مطالعه‌ای کیفی بر روی مصرف‌کنندگان موسیقی مردم‌پسند در تهران»، فصلنامه *تحقیقات فرهنگی*، ۱: ۲۳ - ۵۳.
۱۰. صمیم، رضا و قاسمی، وحید (۱۳۸۸). «گرایش به مصرف گونه‌های موسیقی مردم‌پسند و میزان پرخاشگری در میان دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان)»، فصلنامه *تحقیقات فرهنگی*، ۸: ۲۴۳ - ۲۶۲۳.
۱۱. کوثری، مسعود (۱۳۸۷). *درآمدی بر موسیقی مردم‌پسند*، تهران: نشر دفتر پژوهش‌های رادیو.
۱۲. ودادهیر، ابوعلی، امینیان، احسان، طباطبایی، آسیه‌السادات و سلمانی، محمدجواد (۱۳۹۰). «جوانان و موسیقی پاپ: بررسی در عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با گرایش دانشجویان دانشگاه تربیت معلم به موسیقی پاپ»، فصلنامه *مسائل اجتماعی ایران*، ۲(۱): ۱۶۷ - ۱۹۳.
13. Bennet, Andy (2002). Researching Youth Culture and Popular Music, *British Journal of Sociology*, 53(3): 451-466.
14. Brashares, B. (2000). A music industry insider gives his perspective on how the Net will and won't improve the lives of artists, Paper for the Online Harvard Conference: Signal or Noise? The Future of Music on the Net. Boston: Harvard Law School. [http://cyber.law.harvard.edu/events/netmusic_brbook.html#_Toc475699199].
15. DeNora, Tia (1999). Music as the Technology of Self, *Poetics*, 27, 31-56, England.uk University of exetre.
16. DeNora, Tia (2003). *After adorno: rethinking sociology of music*, Firsty Published in Print Format 2002, Combridge University Press.
17. Jackson, John (2001). Youth and the popular music business, *Queensland Journal of Educational Research*, 17(1).
18. Kasimu Garth and Fletcher Baker (2003). *African American Christian Rap facing "Truth" and Resisting It*, Edited by Pinn Anthony B Noise and Spirit: The Religious and Spiritual Sensibilities of Rap Music, New York University Press, New York.
19. Leppert, Richard and McLare, Susan (1996). *Music and Society*, Great Britain at the University press, Cambridge.
20. Machlis, Joseph (1963). *The Enjoyment of Music (An Introduction to Perspective Listening)*, Library of Congress Catalog Card No.62-8633. University of Newyork.
21. Negus, Keith (1996). *Popular music theory: An Introduction*, Cambridge: Polity Press.

22. Patton, M.Q. (2002). *Qualitative Research and Evaluation Methods*, Third edition, Sage Publication, California.
23. Pinn Anthony, B. (2003). *Noise and Spirit: The Religious and Spiritual Sensibilities of Rap Music*, New York University Press, New York.
24. Strauss, A. and Corbin, J. (1990). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*, Newbury Park, Sage.